

بدنساز ایرانی طلا گرفت ... برای قطر!

شاید شنیدن این خبر برای ما زیاد جذاب نبود اما واقعیت داشت. چه حالی شدید وقتی متوجه شدید علی تبریزی (ایرانی مقیم قطر) در قابت های پرورش اندام، برای قطری ها مدال طلا به ارمغان آورده؟! و این درحالیست که کاروان ورزشی ما همانند جویندگان طلا با نقشه های متعدد به دنبال راهکاری هستند که ایران را به مدال و مقامی ناب و در خور توجه برسانند.

این بادی بیلدینگ کار ایرانی البته با تابعیت قطری در وزن منفی ۹۰ کیلو توانست مقابل حریفان خود به برتری رسیده و مردم قطر را شادمان کند.

خلاصه که، پرچم قطر به پاس تلاش ورزشکار ایرانی (!) بالا رفت و تازه آن موقع بود که خیلی ها در دوحه حسرت خوردند که چرا تبریزی را نتوانستند حفظ کنند؟! حالا دیگر کمی دیر شده درست و زمانیکه کاروان ما برای به دست آوردن طلا اینقدر به آب و آتش می زد افرادی مثل علی تبریزی برای قطری ها افتخار آفرینی کرد.

علی که حالا برای قطری ها تبدیل به یک ستاره شده زیاد خوشحال نیست و می گوید: چرا در کشورم نباید اینگونه به من و امثال من توجه شود که حالا افسوس بخوریم. قطری ها برای حضور من در یک تورنمنت، در سال حدودا مبلغ ۱۰۰ میلیون یا بیشتر خرج می کنند (البته به تومان) در حالیکه ... ما به راحتی از کنار استعدادهای موجود خود می گذریم و برای آنها احترام قائل نمی شویم در صورتی که احترام به خواسته های معقول آنها در نهایت به سود ورزش ما تمام می شود.

زنده باد چغندر!

مدیرکل تربیت بدنی استان (...) در آستانه سفر نمایندگان AFC برای بازدید از امکانات نمایندگان ایران گفته: «مشکلات موجود در ورزشگاه ها به ما ربطی ندارد.»

ما هم همین را تایید می کنیم. اصلا مگر مسایل و مشکلات نماینده فوتبال یک شهر در جام باشگاه ها به اداره تربیت بدنی آن شهر مربوط است؟! نه خیر ... از این خبرها نیست! بلکه به نهادهایی چون اداره آب و فاضلاب یا اداره دارایی مربوط می شود!

به همین دلیل پیشنهاد می کنیم آسفالت کردن خیابان ها و تئاتر و سینما را به تربیت بدنی بسپارند!

در ضمن تربیت بدنی استان مذکور می تواند در کاشت و داشت و برداشت برگ چغندر نیز فعالیت کند. این روش در کشورهای خارجی متریخی خیلی جواب داده است! و بهتر است هرچه سریعتر به این امر اقدام کنند تا یک وقت جریان این مدیران کاربلد، مثل جریان همان بدنسازی نشود که ذکر خیرش در خبر قبلی آمد!

چشم همه روشن

روزگاری بود که ورزشگاه ها، پر میشد از طرفداران فوتبال. ورزشکاران و فعالان در این زمینه، از ارج و قرب بسیار بالایی بیم مردم برخوردار بودند و همه چیز به خوبی و خوشی سر جای خودش قرار داشت.

چطور شد که به خودمان آمديم و تیترو روزنامه ها را با چشم های از حدقه بیرون آمده برانداز کردیم؟!

بیانیه های شدیدی که بین سردمداران و پیشکسوتان این ورزش پر طرفدار رد و بدل شد آغاز جنگی بود که پرده ها را از پیش چشم ها کنار زد.

این روزها همان کسانی که روزگاری پا به توپ بودند و از ارج و قرب بسیار بالایی هم بین مردم برخوردار بودند، به شدت به جان هم افتاده و خلاصه اینکه آژان و آژان کشی راه انداخته اند که بیا و ببین.

